

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۲۲ - ۱۴۱

## بررسی ادله نقلی مشروعیت تعدد زوجات از منظر فقهای فریقین

سیده معصومه سیدی<sup>۱</sup>

آزیتا جلیلیان<sup>۲</sup>

سیدامیر دبیری<sup>۳</sup>

سجاد شاه ملکی<sup>۴</sup>

چکیده

اهمیت مطالعات تطبیقی میان مذاهب اسلامی خصوصاً در باب مسائل چالش برانگیز مانند «تعدد زوجات» در عصر کنونی، می‌تواند در روشن شدن بسیاری از زوایای مبهم این مسئله کمک نماید. به همین دلیل مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی «بررسی ادله نقلی مشروعیت تعدد زوجات از منظر فقهای فریقین» را مورد بحث و بررسی قرار داده است و نتایج تحقیق بیانگر این است که: مفسرین امامیه با استناد به آیات و روایات تفسیری، تعدد زوجات را امری جایز و مشروع می‌دانند، و فقهای امامیه به تبع از نظر مفسرین و تحت تأثیر آیات و روایات وارده، آن را تحت شرایطی جایز می‌دانند و برخی از مفسران اهل سنت، تعدد زوجات را مختص پیامبر(ص) دانسته‌اند، در صورتی که این مسئله با صدر و ذیل آیات و روایات همخوانی ندارد، به همین دلیل هم فقهای مذاهب خمسۀ اکثرأ قائل به تعدد زوجات هستند و آن را امری مشروع می‌دانند. واژگان کلیدی: تعدد زوجات، فقهای امامیه، فقهای اهل سنت، آیات، روایات.

۱. سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، حوزه علمیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام)، شهر آبدانان، استان ایلام، ایران، پژوهشگر، فعال فرهنگی و نویسنده مسؤول،

Masoomeh.94@gmail.com

۲. سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، حوزه علمیه حضرت جواد الائمه (علیه السلام)، شهر آبدانان، استان ایلام، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، @gmail.com94masoomeh.

۳. دارای مدرک تخصصی سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته حقوق خصوصی، مدرسه عالی قضاوت قم، طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، dabiriamir1132@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد، رشته مدرّسی معارف، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، شهر همدان؛ طلبه مشغول به تحصیل در مقطع سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، استان قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، shahmlkysjad59@gmail.com

## مقدمه

یکی از شئون اجتماعی انسان و بلکه رکن حیات مجتمع انسانی، ابقای نسل با ازدواج صحیح می‌باشد و این قرارداد ازدواج، یک نوع اتحاد و رابطه‌ی قانونی بین زن و مرد است و دارای خصوصیات است که آن را از سایر عقود و قراردادها ممتاز و مشخص می‌کند. نهاد ازدواج در اصل از نیازهای طبیعی زن و مرد به یکدیگر سرچشمه می‌گیرد و تداوم آن نیز تا حدی در گرو استمرار همین نیازهاست. به همین دلیل باید رابطه‌ی زناشویی زن و مرد از نظر شرع و قانون مجاز باشد، بطوری که رابطه‌ی آزاد زن و مرد بدون رعایت قیود و شرایط آن نکاح محسوب نمی‌شود. لذا یکی از مسائلی که امروزه از نظر ازدواج مورد مطالعه و مورد انتقاد قرار می‌گیرد، «تعدد زوجات» است، به گونه‌ای که با طرح شبهات در سده‌های اخیر، سبب شده که اندیشمندان اسلامی به تبیین باورها بپردازند یا در مسئله تجدیدنظر نموده و آرای تازه‌ای را عرضه کنند. اما با تأمل در آیات و روایات می‌توان گفت: اصل مشروعیت چندهمسری تا چهار زن، از اصول مسلم اسلامی است و مطابق قرآن کریم بویژه آیه‌ی سوم سوره نساء و احادیث و روایات معتبر از شیعه و سنی و همینطور اجماع امت اسلام داشتن بیش از چهار زن دائمی ممنوع است. مشروعیت چند همسری در گرو رعایت شروطی می‌باشد، چرا که ازدواج با همسر جدید نباید طوری باشد که موجب محرومیت یکی از آنان از حقوق مقررهی زناشویی گردد و یا برخلاف وظایف انسانی و اسلامی باشد و شوهر باید با کمال مراقبت حقوق زنان را بر طبق عدل و انصاف رعایت بنماید و استفاده از این حق نباید موجب تضییع حق دیگری شود. بنابراین با توجه به اینکه تعدد زوجات مجاز است مقنن نخواستہ صریحاً حکم شرعی را انشاء نماید بلکه با قبول این جواز، اجرای آن را مقید به شرایطی نموده که از آن جمله رعایت عدالت و مساوات در خصوص زنان متعدد و همین‌طور لزوم ثبت آن نیز می‌باشد.

نظر به اینکه شرایط مرقوم، شرط صحت عقد نیست (مانند الزام زوج به ثبت واقعه‌ی ازدواج که شرط عقد نمی‌باشد بلکه الزامی قانونی است بر انجام تشریفات مقرر) ازدواج مجدد مرد در حدود شرعی صحیح است و علقه‌ی زوجیت ایجاد می‌نماید. با توجه به مطالب مذکور، آن چه که در عصر حاضر تبدیل به یک چالش شده و معاندین با توسل به آن، درصدد ایجاد شبهات در جوامع اسلامی هستند، این است که تعدد زوجات یک امر نکوهیده و ساخته ذهن و افکار آدمیان است و نه یک امر تشریعی الهی؛ و با این ترویج این افکار سعی می‌کنند دیگران را نسبت به این امر سست نمایند در صورتی که در برخی از مواقع چند همسری، یک امر پسندیده و مشروع است که مبتنی بر سیره و سنت الهی است و از آنجا که ادله نقلی (آیات و روایات) در بین سایر ادله‌ها جایگاه ویژه‌ای در بین مردم جامعه دارد به عبارت دیگر، تأثیر آن

نسبت به سایر ادله‌ها ذی‌نفوذتر و پایدارتر است، لذا نگارنده با توجه به اهمیت مسئله تعدد زوجات و اثبات آن از منظر قرآن و روایات و به تبع آن فقهای اسلامی، درصدد تبیین «بررسی ادله نقلی مشروعیت تعدد زوجات از منظر فقهای مذاهب خمس» است. و در این خصوص می‌توان گفت: چند همسری مورد تأیید فقهای امامیه (بحرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۳، ص ۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۱۲) و سایر فقهای مذاهب خمس (شافعی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۱۲۲؛ ابن عربی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۰۲) بوده، به گونه‌ای که فقهای اسلامی، با استناد به آیه مذکور، اجماع بر این مسئله دارند که زوج آزاد حداکثر می‌تواند با چهار زوجه آزاد دیگر ازدواج دائم داشته باشد. از طرفی هم با توجه به ضرورت‌های اجتماعی که امروزه در جوامع اسلامی به وجود آمده است ضمن اینکه بر نظام تک‌همسری از نظر شرعی صحه می‌گذارم می‌خواهم این باور را رشد و ارج بنهم که مبنای تجویز تعدد زوجات ارضای هوسرانی مرد نمی‌باشد بلکه برپایه مصالح متعدد فردی و اجتماعی جایز شمرده شده است، و این جواز هیچ‌گونه نادیده گرفتن حقوق زن را در بر ندارد بلکه در برخی موارد لازمه استیفای حقوق زن تعدد زوجات مرد است. چرا که منع از تعدد زوجات در چنین شرایطی موجب رواج فحشا و بروز بیماری‌های روحی و جسمی و عوارض دیگر می‌شود. به علاوه صرف ورود همسر جدید، حتی بدون رضای زوجه و شرکت در زندگی او و شوهرش ظلم نیست، زیرا تعدد زوجات به ضرر منتهی نمی‌شود، بلکه برعکس ضرر را از مردم دور می‌کند و حرجی را که مردم با آن مواجه‌اند رفع و بسیاری از مشکلات جامعه را حل می‌کند، زیرا زن دوم به علت ازدواج یا باید بدون شوهر زندگی کند تا بمیرد یا در طریق انحراف گام بردارد. لذا مسئله تعدد زوجات می‌تواند کار مناسبی برای رفع این مشکلات اجتماعی در جامعه اسلامی باشد، از طرفی با رفع شبهات موجود در جامعه و تحلیلی صحیح فقهی از آن می‌توان ثابت کرد که چند همسری، نه تنها ضامن حفظ حقوق همسران است، بلکه ضامن بقای تک‌همسری نیز می‌باشد، لذا ضرورت ایجاب می‌کند که این مسئله از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت تبیین شود تا اذعان جامعه اسلامی آمادگی پذیرش این تجویز الهی را پیدا کند.

برخی از نویسندگان در کتاب‌ها و مقالاتی به «تعدد زوجات» اشاره نموده‌اند که به عنوان نمونه به چند مورد از آنها در ذیل اشاره، سپس به جنبه امتیاز مقاله حاضر نسبت بدانها می‌پردازیم: - صفایی حسین و امامی، اسدالله، در کتاب «حقوق خانواده» به بیان نظر فقهای اسلامی در خصوص تعدد زوجات پرداخته‌اند و آن را حقی مشروع به شرط رعایت عدالت دانسته‌اند. - کاتوزیان، ناصر، در کتاب «حقوق خانواده» تعدد زوجات را با استناد به آیه سوم سوره نساء امری مشروع دانسته و رعایت عدالت را در

این خصوص شرط لازم و واجب برشمرده است. - کریمی، محمدصادق، در پایان نامه «تعدد زوجات در فقه امامیه» در خصوص تعدد زوجات و رعایت عدالت بین آنان چنین نتیجه گرفته است که تعدد زوجات در صورتی که از حد تجاوز نکند و زوج جانب عدالت را رعایت کند، امری پذیرفتنی است. - امامی، مسعود، در مقاله «فلسفه حکم تعدد زوجات» در خصوص تعدد زوجات آورده است: تعدد زوجات، امری مشروع است که ریشه در نیازهای طبیعی انسان دارد، و فقط در صورت اضطرار بایستی بدان عمل کرد. با تأمل در کتابها و مقاله‌های مذکور می‌توان گفت که آنها بیشتر به نظرات امامیه پرداخته‌اند، در صورتی که مقاله حاضر مشروعیت تعدد زوجات را از منظر فقهای مذاهب خمس مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. سؤالات و جنبه‌های مجهولی که در مقاله حاضر مطرح است عبارتند از اینکه: ۱- آیات و روایات ناظر بر تعدد زوجات از منظر فقهای مذاهب خمس چیست؟ ۲- مستنبط فقهای مذاهب خمس از ادله نقلی در خصوص تعدد زوجات چیست؟ مقاله حاضر، ضمن ارائه جواب این سؤالات، درصدد بیان اشتراکات و افتراقات فقهای امامیه و اهل سنت در خصوص «تعدد زوجات» می‌باشد.

#### ۱- مفهوم شناسی

##### ۱-۱- معنای لغوی تعدد

تعدد از منظر لغت به معنای افزایش و افزودن آمده است. (عمید، ۱۳۸۳، ص ۴۰۲).

##### ۱-۲- معنای اصطلاحی

در اصطلاح، مخصوصاً از منظر فقه و حقوق، برای چیزی به کار می‌رود که آن چیز یا شیء بیشتر از یکی باشد و در اصطلاحات متفاوتی همچون شرط صحت عمل (رکعات نماز) و تعدد زوجات و ... به کار می‌رود.

##### ۱-۳- معنای لغوی زوج

این واژه در لغت به معنای شوهر، شوی، جفت، عددی که قابل بخش کردن بر دو باشد (معین، ۱۳۸۹، ص ۵۱۱)، قرین، خلاف فرد است (عمید، ۱۳۸۳، ص ۶۹۴).

در فقه و حقوق: شوهر قانونی و شرعی یک زن که با او خویشاوندی سببی زناشویی دارد را زوج گویند. زوجه: در لغت به معنای همسر مرد، زن، مقابل شوهر، آمده است (همان، ص ۶۹۴).

##### ۱-۴- معنای اصطلاحی

در فقه امامیه و به تبع آن حقوق موضوعه ایران، زوجه به زنی که به موجب سببیت (عقد شرعی و قانونی در قباله نکاح مردی باشد زوجه گویند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۰۱؛ طوسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۵۲؛

انصاری، طاهری؛ ۱۳۸۴، ص ۱۰۶۱). بنابر این تعدد زوجات یعنی داشتن بیش از یک زوجه به طور همزمان برای زوج.

در فقه اهل سنت هم تعدد زوجات عبارت است از ازدواج مرد از روی آگاهی و قصد با چند زن در زمان واحد. (شافعی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۸۹؛ ماوردی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۸۳) چندهمسری به چند شکل ممکن است فرض شود که از بین اشکال چندهمسری، تعدد زوجات تنها شکل چندهمسری است که مورد قبول شرع و قانون است.

## ۲- بررسی دلایل مخالفان تعدد زوجات

برخی با توجه با آثار سوء و زیان بار نظام چند همسری، و بدون توجه به ضرورت‌ها که موجب وضع چنین قانونی از سوی شارع مقدس شده است، تنها با تکیه بر دانش و تجربه محدود بشری، از پایه و اساس، آن را نفی و طرد نموده و برای نفی کلی آن به ادله چندی استناد جسته اند:

### ۲-۱- آثار سوء اجتماعی و خانوادگی چند همسری

اقدام مردان در ازدواج های متعدد، احساسات زنان را دچار خدشه می‌کند و آنان را از زندگی ناامید می‌کند و در نتیجه زنان، کار خانه را، به اهمال می گذرانند و در تربیت اولاد کوتاهی و سنگینی می‌کنند و همانند کاری که مردها با آنها کرده اند نموده، دست به زنا و خیانت در مال و ناموس دراز می‌کنند و در نتیجه هر چه زودتر سقوط می‌کند. در پاسخ باید گفت اگر چه در اسلام اصل با نظام تک همسری است و همین امر نشان از هم نوایی و همراهی قانون الهی با طبیعت سالم اجتماع دارد، اما اگر ضرورتها اجتماعی همانند جنگ و حوادث طبیعی فرصت ازدواج را از بسیاری از زنان بی‌سرپرست بگیرد، جلوگیری از همان آثار سوء اجتماعی که دغدغه مخالفان نظام چند همسری است، ایجاب خواهد کرد که چند زن تحت حمایت یک مرد قرار بگیرند که البته تعداد آنها نیز در اسلام با رعایت شروط ذکر شده تعیین شده است. در همین شرایط نیز توجه اسلام به موقعیت روانی و احساسات زنان در این مسئله باعث شده است که مشروعیت ازدواج بعد مردان را علاوه بر استطاعت مالی و توان اجرای عدالت، متوقف بر رضایت و رغبت همسر اول بدانند. علاوه بر این زنان نیز به خاطر شرایط خاص اجتماعی (جنگ و سایر بحران های اجتماعی و حوادث طبیعی) راضی به این ازدواج شده اند و در این شرایط مشروعیت آن کاملاً منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا: اولاً؛ شرایط از سو جامعه اقتضا آن را دارد. همان گونه که در حالت عادی اقتضای تک همسری را دارد؛ ثانیاً؛ از طرف مرد نیز قدرت بر اجرای عدالت و تمکن مالی قابل تحقق است؛ ثالثاً؛ شرایط از سو همسر اول که رضا و رغبت اقدام مرد است، نیز وجود دارد. در واقع،

اسلام بنای زندگی اجتماعی انسانی را بر پایه تفکر و عقل انسانها قرار داده و در مواقع اضطرار، عقل را بر احساسات مقدم می‌دارد. چرا که اگر فرصت ازدواج برای طیفی از جمعیت فراهم نباشد امنیت اخلاقی سایر خانواده‌ها در اجتماع به خطر می‌افتد.

حوادث، از جمله جنگ‌ها بیشتر مردان را نسبت به زنان از بین می‌برد که این مهم‌ترین عامل علل تعدد زوجات در میان انسان‌های گذشته بوده است که در این شرایط زنان بیوه چاره‌ای جز قبول کردن چندهمسری نداشته‌اند. بنابراین با نفی کلی این قانون به نوع جامعه همواره آسیب پذیر خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۳۰۰).

## ۲-۲- تعدد زوجات خلاف عمل مشهور طبیعت است

بررسی آمار انسانها بیانگر آن است که عده زنان و مردان تقریباً یکسان است، لذا می‌توان نتیجه گرفت آن چیزی که مقتضای طبیعت است، این است که یک زن برای یک مرد باشد و در غیر این صورت مخالف مقتضای طبیعت حرکت کرده است. (شاتلند ژان کلود، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲). در پاسخ می‌توان اشاره کرد که استناد به نسبت مردان و زنان نمی‌تواند دلیل مناسبی برای نفی کلی مشروعیت نظام چند همسری در اسلام باشد، چرا که در اسلام نیز اصل در خانواده با نظام تک همسری است. چرا که عموماً جوامع شرایط خاصی را که مقتضای چند همسری باشد، کمتر تجربه می‌کنند. علاوه بر این توجه به عواملی که منجر به شکل‌گیری یک ازدواج می‌شود، باعث خواهد شد که کمتر به تساوی عدد مردان و زنان استدلال شود؛ اولاً: ابتدا رشد فکری، جسمی برای ازدواج لازم است که در این مسئله، زنان زودتر از مردان بدین مرحله دست می‌یابند. زنها خصوصاً در مناطق گرمسیری وقتی سنشان به ۹ رسید، برای نکاح شایستگی پیدا می‌کنند، ولی مردان نوعاً پیش از ۱۶ سال - همان‌طور که اسلام اعتبار کرده است - آماده نکاح نمی‌شوند. ثانیاً: آمار نشان می‌دهد که عمر زنان بیشتر از مردان است و لازمه این معنی این است که در سال مرگ و وفات مردان، تعدادی از زنان مهیای ازدواج باشند و مردانی در برابرشان نباشد (همان، ص ۵).

ثالثاً: خاصیت نسل و تولید در مردان بیشتر از زنان است. زنان معمولاً در حوالی سن ۵۰ سالگی از قدرت باروری محروم شده و یائسه می‌شوند، اما مردان ممکن است تا آخر عمر نیز از قوای جنسی برخوردار باشند. یعنی در واقع دو برابر سن زنان، صلاحیت و قابلیت جنسی دارند. زمانی که این مطلب را با توجه به عمر بیشتر زنان نسبت به مردان در نظر بگیریم، این نتیجه به دست می‌آید که طبیعت و خلقت به مردان حق تجاوز از یک زن را داد است. بنابراین، اصل نظام چند همسری بر خلاف قانون علل و اسباب طبیعی نخواهد بود. با تکیه بر مطالب مذکور، می‌توان گفت که قرار دادن پایه استدلال بر این

مطلب که به علت تساوی زن و مرد، نظام چندهمسری باطل و مردود است، غلط است، زیرا این نیازمند پیش‌فرضی است که در هر جامعه‌ای، هر مرد چهار زن داشته باشد، ولو آن که این مسئله برای تمامی مردان صورت نمی‌گیرد و صرفاً برخی از مردان شرایط این کار را دارند. علاوه بر این، اسلام مشروعیت اقدام مردان را تنها منوط به نیاز طبیعی آنان ندانسته است. بلکه دو شرط خارجی دیگر که شامل تمکن مالی و قدرت بر ادای حقوق همسران به طور مساوی است، را نیز لازم دانسته و حتی ترس از ناتوانی در اجرای این دو شرط را برای منع آنان کافی دانسته است. چندهمسری، تشویق مردان به هوسرانی است؛ مخالفان عقیده دارند که جواز تعدد زوجات، نوعی هوسرانی است و بی‌بند و باری را در جامعه تقویت می‌نماید. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۹۳). به اعتقاد نگارنده در پاسخ باید گفت: یکی از الطاف دین اسلام این است که غرایز نفسانی سرکوب نشود، زیرا که با سرکوب شدن این غرایز، افراد بدون رعایت قوانین به تأمین نیازهای نفسانی اقدام می‌کنند. توجه به ضرورت‌هایی که موجب مشروعیت اساس چند همسری در اسلام شده است موجب خواهد شد که جایگاه حقیقی استعمال آن برای افراد روشن گردد و در این مسیر، مداخلات قضایی در اجرای صحیح احکام الهی بسیار مهم خواهد بود. نگارنده معتقد است، قانون چند همسری مربوط به شرایطی است که فرد از نظر طبیعی به آن نیازمند باشد و علاوه بر آن، قدرت تمکن مالی و اجرای عدالت را نیز داشته باشد. این موارد در رابطه با همه مردان صادق نیست؛ مضافاً اینکه با در نظر گرفتن شرط رغبت و رضایت همسر اول در مشروعیت اقدام مرد باید گفت که وجود این قیود عرصه را برای اقدام تنگ خواهد کرد و تنها در موارد لازم اجرا خواهد شد که همان اقتضای طبیعی شرایط خاص فردی و اجتماعی است که موجب محرومیت طیفی از جمعیت زنان و نیاز آنان به تشکیل خانواده می‌باشد.

## ۲-۳- این قانون، یک معادله ستمکارانه است

(۴ زن معادل یک مرد): مخالفان معتقدند که با قانون تعدد زوجات شأن زنان پایین آمده است و این دیدگاه را حتی در رابطه با قوانین دیگری از جمله ارث، شهادت و غیره که دو زن را معادل یک مرد قرار داده است، نیز بیان نموده‌اند. در حالی که در هیچ نظام دینی و غیر دینی، در گذشته و حال شان و حقوق زنان به اندازه آنچه در اسلام وجود دارد، رعایت نشده است. لازم است میان احکام صالح و مصلح اسلامی و مردم فاسد و مفسد جامعه اسلامی تفاوت گذاشت.

دین اسلام، معارفی اصیل و برنامه‌ای جامع است که مجموعه برنامه‌ها و دستورالعمل‌های آنان با یکدیگر انسانها را به سعادت می‌رساند و زمانی که برخی از احکام و برنامه‌های آن در جامعه مغفول واقع شود،

زمینه برای انحراف جامعه و گسترش فساد مهیا خواهد شد، لذا بر این اساس برای نجات از ظلم و ستم، روا نیست که قوانین الهی تغییر یابند، بلکه کج‌فهمی از قوانین الهی تبعات زیان‌باری را در جامعه به دنبال دارد و این دقیقاً در قضیه تعدد زوجات در جوامع فعلی رخ داده است.

### ۳- ادله مشروعیت تعدد زوجات از منظر امامیه

فقهای امامیه، با استناد به برخی از آیات و روایات، بر مشروعیت تعدد زوجات صحه گذارده‌اند که در این قسمت از تحقیق به بحث و بررسی آیات و روایات وارده می‌پردازیم.

#### ۳-۱- دلالت آیات شریفه بر مشروعیت تعدد زوجات از منظر امامیه

فقها عموماً در این رابطه به نص آیه سوم سوره نساء «... فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنٍ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا...» به عنوان یک دلیل مستحکم استناد می‌کنند. به اتفاق فقها خاصه و عامه، امر در این آیه برای استحباب تأکید و تشویق زیاد موضوع نکاح است نه بر وجوب و حتمی بودن آن. البته عده ای نیز امر به معنا اباحه دانسته‌اند که ازدواج با تعدادی که در ادامه آیه آمده است از نظر اسلام مباح دانسته شده است (طوسی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۵؛ رازی، ۱۳۷۶ش، ج ۳ ص ۳۰۹).

در رابطه با شأن نزول این آیه چند شأن نزول بیان شده است شأن نزولی که عموماً برای آن بیان می‌شود، آیه را درباره دختران یتیمی دانسته که تحت قیمومت و سرپرستی مردانی قرار می‌گرفتند که چون بزرگ می‌شدند، از لحاظ داشتن مال و جمال مورد طعن ایشان قرار می‌گرفتند و با مهریه کم به ازدواج آنان در می‌آمدند. لذا این آیه خطاب به این گونه مردان و سرپرستان توصیه نموده است که اگر می‌ترسند درباره این ایتمام اجحافی صورت گیرد و از حیث ازدواج با آنان با مهر کم نتوانند عدالت را در مورد آنان اجرا نمایند، بهتر است از ازدواج با آنها صرف نظر نموده و با زنان دیگر که مورد علاقه آنها هستند، ازدواج کنند و آنها را تنها در صورت استطاعت مالی و قدرت بر اجرا دادگر، تا چهار نفر به ازدواج خویش در آورند و در صورت فقدان دو شرط مذکور، تنها با یک نفر از آنان اکتفا نمایند. این شأن نزول در کتب حدیثی از زبان عروه خواهر زاده عایشه بیان شده که آن را از خاله خویش نقل نموده است (طبرسی، ۱۳۴۹، ص ۱۵۲).

در شأن نزول دیگر، آیه را خطاب به مردانی در صدر اسلام می‌دانند که در حفظ اموال یتیم نهایت احتیاط را می‌کردند ولی در رابطه با ازدواج چنین حساسیتی نداشتند و بدون توجه به رعایت عدالت بین آنها به ازدواج با زنان متعدد می‌پرداختند. لذا این آیه خطاب به ایشان نازل گردید که همان گونه که در حفظ اموال ایتمام نهایت کوشش و سختی را نموده و کمال عدالت را اجرا می‌نمایید، اگر خواستید زنان



متعدد داشته باشد، به منظور مهمل نگذاشتن حقوق آنان، در صورت قدرت بر اجرا عدالت و توان مالی بیشتر از چهار نفر را به ازدواج خود در نیاورید و در غیر این صورت، به یک نفر اکتفا نموده یا با کنیز زندگی نمایید. زیرا این روش به عدالت و دادگری نزدیک تر خواهد بود. این شأن نزول در کتب حدیثی از ابن عباس، ابن جبیر، سدی، قتاده، ربیع و ضحاک نقل شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۰۳).

نکته قابل توجه این است که با وجود جدیت و کوشش تامی که انسان در این موضوع به کار می گیرد، با زهم قلباً نمی تواند مودت و دوستی بین زنان را که امری است قلبی، یکسان قرار دهد و علاقه ای را که به زن زیبا رو خود دارد، به زن دیگر هم که زیبایی او را ندارد، داشته باشد اما در مقام کشف رضایت تام و مطلوبیت تعداد همسران از دیدگاه شارع، می توان آیه ۳ سوره نساء را مثال آورد که ابتدا شارع با توجه با تبیین قیود مشکلی از جمله ترس از عدم توانایی در اجرای عدالت بین همسران، بر نظام یک همسری تأکید داشته است اما بعد از آن درباره فرد که تا این حد به خود اطمینان دارد که حتی نمی ترسد نتواند عدالت را رعایت کند، مجاز دانسته است که تا چهار همسر را به نکاح خود در آورد.

### ۳-۲- دلالت روایات بر مشروعیت تعدد زوجات از منظر امامیه

در رابطه با مشروعیت چهار زن در نکاح دائم برای مردان و یک شوهر برای زنان روایات زیادی وجود دارد. از جمله: روایتی که محمد بن سنان از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده است، دال بر مشروعیت تعدد زوجات است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۰۳). محمد بن فضل از سعد الجلاب و سعد الجلاب از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: غیرت مخصوص مردان است و لذا خداوند بیشتر از یک مرد را بر زن حرام فرمود ولی به مرد چهار زن را اجازه داده است و خداوند بزرگوار تر از این است که به زن حمیت و غیرت دهد و در عین حال اجازه دهد که مردش با داشتن یک زن و سه زن دیگر نیز اختیار کند، درباره شرط عدالت در جواز چند همسری علاوه بر آیه بیان شده، روایاتی نیز وجود دارد از امام صادق (ع) روایت شده است که پیامبر (ص) اوقات خود را ما بین زنان خود تقسیم می فرمود و مساوات را بین آنها برقرار می داشت سپس می فرمود: خدایا این است تقسیم من تا آنجا که قادر به حفظ آن بود و می توانم. پس مرا مواخذه مکن در انجام کاری که خودت قادر هستی و من قادر نیستم (رازی، ۱۳۷۶، ص ۳۰).

در کتاب شریف کافی چند حدیث در باب حس حسادت زنانه است که مطالعه آنها خالی از لطف نیست به برخی از این احادیث توجه بفرمائید: الف) غیرت ورزیدن جز برای مردان مجاز نیست، زیرا که غیرت مخصوص مردان است و بر همین اساس خداوند متعال، این مسئله را برای زنان نهی کرده است و زنان را

فقط مختص مردانشان قرار داده است و از مردان دیگر نهی و آن را حرام و قابل مجازات دانسته است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵ ص ۵۰۵). در این حدیث می بینیم که امام(ع) یک استدلال عقلی ارائه می دهند مبنی بر اینکه خداوند غیرت را در وجود زنان قرار نداده است؛ و این مسئله همان حسادت هست چون اگر خدا غیرت را به زنان نیز مانند مردان داده بود؛ بر مردان ۳ زن دیگر را حلال نمی کرد مانند زن که مردان دیگر جز شوهر بر او حرام هستند در صورتی که حلال کرده است .

پس معلوم می شود خدا غیرت را به زنان نداده است. ب) خدا بلند مرتبه غیرت را در وجود زنان قرار نداد و تنها زنان ناشایست غیرت می‌ورزند ولی زنان مؤمنه [حقیقی] نه همانا خداوند غیرت را تنها در مردان قرار داد از این رو برای مرد چهار زن را حلال فرمود ولی برای زن جز شوهرش را حلال نکرد پس زنی که علاوه بر شوهرش مرد دیگر را اراده کند نزد خداوند زناکار است(همان، ص ۵۰۶). در این حدیث امام (ع) می فرماید زنان مؤمنه حقیقی به دلیل اینکه تسلیم محض احکام الهی هستند و یکی از احکام الهی حلال بودن تا ۳ زن دائم برای یک مرد است؛ لذا از این مسئله احساس ناراحتی و شکنجه نمی کنند و زنی که از این مسئله ناراحت شود یا احساس شکنجه بکند؛ زنی است ناشایست که در برابر احکام الهی تسلیم محض نیست. ج) مردی نزد امام صادق (علیه السلام) از زن خود بسیار تعریف و تمجید کرد حضرت فرمود: تا به حال غیرت او را آزموده‌ای؟ مرد گفت: نه! حضرت فرمود غیرتش را ببازما! پس آن مرد چنین کرد و زنش هم ثابت قد ماند و حسادت نورزید خبر را به امام داد و حضرت فرمود: زن تو حقیقت همان گونه است که تعریف کردی! این حدیث نیز بسیار جالب و قابل تأمل است .فرد از همسرش تعریف می کند یعنی همسر خوبی دارد . اما امام(ع) او می فرماید او را در موضع غیرت آزموده ای ؟ یعنی اینکه اگر زن زن خوبی است و همه ویژگی های یک زن خوب را نیز داشته باشد؛ تا در این موضع نیز سربلند از امتحان بیرون نیاید؛ نمی توان گفت زن خوبی است . بلکه می توان نتیجه گرفت از این حدیث که اگر همسر این مرد در این مسئله شکست می خورد؛ از نظر امام (ع) اصلا زن خوبی محسوب نمی شد و سایر ویژگی های خویش نیز به حساب نمی آمد. پس باید دانست این حس ناراحت شدن همسر اول بشدت در روایات مذمت شده است.

### ۳-۳- مستنبط فقهای امامیه از آیات و روایات مذکور

به طور کلی حکم تعدد زوجات مقبول تمامی فقها شیعه و سنی است . آیه ۳ سوره نساء اجازه چند همسر را به مردان می دهد. بسیاری از فقها تعدد زوجات را جایز دانسته و در کتب خود به موارد زیر اشاره کرده اند تعداد زنانی که مرد می تواند به عقد دائم خود در آورد محدود است. و این محدودیت از آیه

قرآن فهمیده می‌شود، به این نحو که او: امر (فانکحوا) در اینجا مقتضی اباحه است و مقتضا اباحه عدد خاص، تحریم مازاد آن است پس مفهوم اباحه اربع دو چیز است: ۱- فرد باید تا چهار همسر داشته باشد، ۲- تا چهار همسر اجازه داده شده نه بیشتر مورد اول که صحیح نیست چرا که دو همسر و به طور کلی کمتر از چهار همسر هم اجازه داده شده پس مورد دو صحیح خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۹).  
دوماً: واو در «مثنی و ثلاث و رباع» برای تغییر است نه برای جمع، برخی مفسرین گفته اند: نصب این الفاظ بنا بر بدلیت از مفعول یا حال از فاعل طالب می باشد و معنای حالیه در این الفاظ مانند سخن کسی است که می گوید: «آدم سواره و پیاده و پا برهنه و با کفش» که با این سخن اراده کرده، آمدن در هر حالی از این احوال را، نه اینکه آمده باشد در همه این احوال را و جمع باشد. حال در این آیه نیز چنین است یعنی مراد جواز نکاح در هر حال از احوال سه گانه است نه همه با هم و گرنه جواز نکاح با نه زن لازم می آمد (نجفی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲۹، ص ۱۵۴).

محدودیت در تعداد زنان در عقد نکاح دائم است یا نکاح منقطع را نیز شامل می شود؟ ابن ادریس در اینکه محدودیت تنها برای عقد دائم است ادعای اجماع کرده. بنا بر اصل محدودیت و صحیح زراره<sup>۱</sup> گروهی نیز معتقدند این محدودیت شامل نکاح منقطع هم می شود. ادله این گروه عبارت است از: اولاً: احتجاج به عموم آیه ۳ سوره نساء ثانیاً: صحیح احمد ابن ابی نصر<sup>۲</sup> اما در رد نظر گروه دوم باید گفت در صورتی می توان به این اخبار استناد کرد و با استعانت از آنها به عموم آیه تمسک کرد که ضعیف نباشند در حالی که اخبار که این گروه به آن استناد می کنند ضعیف، مقطع السند و یا مجهول السند هستند. پس با وجود این اخبار نمی توان با آیه مخالفت کرد و اجماع علماء اسلامی را رد کرد<sup>۳</sup>. احوط آن است که بین این دو نظر جمع کنیم و بگوییم اگر محدودیت را اعم از دائم و منقطع بدانیم این امر به احتیاط نزدیک تر است (ابن قدامة، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۳۶-۲۳۴). اما واجب نیست. در آیه ۳ سوره نساء «فانکحوا» امر است. امر دلالت بر وجوب می کند پس آیا باید گفت نکاح واجب است؟ (همان، ص ۲۳۶-۲۳۴) آنچه باید در اینجا تذکر داد این است که امر، دلالت بر وجوب می کند اما در اقل مراتب دلالت بر استحباب و یا اباحه می کند. ما امر را حمل بر استحباب می کنیم چرا که در بسیاری از روایات

۱. زاره قال: قلت: ما یحل من المتعه اهی من اربع؟ فقال: لا ولا من السبعین و عن زرارہ عن الصادق ع قال: ذکر المتعه اهی اربع قال: تزوج منهن الفا فانهن مستاجرات.

۲. و بصحیحہ احمد بن ابی نصر ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: سألته عند الرجل تكون عنده المراه ایحل له أن يتزوج باختها متعه قال: «لا» قلت: حکي زرارہ عن ابي جعفر على اللام انما هي مثل الامام يتزوج ما شاء قال: «لا»، هي من الأربع وقد روی عمار عن ابي عبدالله عليه السلام في المتعه قال: «هي احدى الاربع».

۳. زين الدين عاملي شهيدثاني، الروضه البهييه، چ لول، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۲۰۵

و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) بر امر ازدواج تأکید شده و این کار حسن دانسته شده چرا که قرائنی وجود دارد که نشان می دهد نکاح واجب نیست. ۱- خداوند در آیه ۲۵ نساء می فرماید: «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ...» صبر برای شما از ازدواج بهتر است. مضمون آیه در موردی است که فرد مسلمان توانایی ازدواج با زن حر را ندارد و به وی توصیه می شود که اگر از نظر غریزه جنسی تحت فشار است با کنیز وصلت کند اما اگر می تواند صبر کردن و خودداری از ازدواج با کنیزان برای او بهتر است تا آینده از نظر مالی توانمند شود و بتواند با زن حر پاکدامن ازدواج کند. پس اگر نکاح واجب بود فرد مسلمان در این شرایط دعوت به صبر نمی شد. ۲- تنها در زمانی که فرد خوف آن را دارد که به واسطه عدم نکاح مرتکب زنا شود، می توان گفت نکاح بر وی واجب است پس نکاح به خودی خود و در شرایط عادی بر افراد واجب نمی باشد. ۳- در ضمن در آیه ۳ سوره نساء نمی توان «فانکحوا» را حمل بر وجوب کرد چرا که در این صورت باید گفت نکاح با بیش از یک زن واجب است در حالی که این گونه نیست (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۷). تبصره: برخی از فقها معتقدند استحباب «فانکحوا» با گرفتن یک زن محقق نمی شود. بلکه تعدد مستحب است و استحباب اختصاص به نکاح دائم ندارد بلکه اعم است از نکاح دائم و منقطع. سؤالی از آیت الله سیستانی شده که طرح آن در اینجا به واسطه مربوط بودن به بحث خالی از لطف نیست. ایشان در جواب این سؤال که آیا تعدد زوجات مستحب است؟ و اگر زن اول سیده باشد گرفتن زن دوم مکروه است یا خیر؟ می فرمایند: تعدد زوجات مستحب است بخاطر روایت، و زن دوم گرفتن در حالی که زن اول سیده است مکروه نمی باشد (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰۵). اما قبلاً گفتیم که تک همسری به واسطه کمی عیال و این که رعایت عدالت در آن مطرح نیست مستحب است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۴۱). و از طرفی هم روایاتی را بیان کردیم که در آنها مسلمانان تشویق به تک همسری می شدند و در واقع با توجه به آیه تنها افرادی که توانایی رعایت عدالت بین همسران خود را دارند می توانند دست به چند همسری بزنند به همین خاطر به نظر می رسد این استحباب به مطلق نکاح بر می گردد، نه به تعدد زوجات.

#### ۴- ادله مشروعیت تعدد زوجات از منظر اهل تسنن

فقهای اهل سنت هم برای اثبات مشروعیت تعدد زوجات به آیات و روایاتی استناد جسته اند که در این قسمت ابتدا نظر مفسرین را در خصوص آیات مطرح تبیین، سپس به بحث و بررسی نظر فقهای اهل سنت می پردازیم.

#### ۴-۱- دلالت آیات شریفه بر مشروعیت تعدد زوجات از منظر اهل تسنن

فخر رازی در تفسیر آیه ۳ سوره نساء<sup>۱</sup> آورده است: این آیه حکم ازدواج را بیان می‌کند و از قول واحدی می‌گوید. اقساط یعنی عدل و انصاف و عبارت «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» را شرطی می‌داند که جواب آن «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» است و در کیفیت تعلق این جزاء به این شرط، چند قول نقل می‌کند و نزدیکترین آن را قولی می‌داند که از طریق عکرمه روایت شده است و حکایت از این دارد که مردی سرپرست تعدادی یتیم بود و چند همسر نیز داشت، بعد از این که دارایی خود را به همسران خود انفاق می‌کرد و مالی برایش نمی‌ماند از اموال یتیمان برای آنها هزینه می‌کرد، پس خداوند فرمود: «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى» در هنگام زیاد شدن همسران، نباید بیش از چهار زن بگیرید تا این بیم و خوف از میان برود و نیز اگر با وجود چهار زن هم می‌ترسید به سه زن اکتفاء کنید و باز اگر ترسیدید به دو زن بسنده کنید و اگر باز هم خوف داشتید به یک زن قناعت کنید. گویا خداوند از زیادت در نکاحی که سرپرست یتیم به سبب آن مجبور به دست‌درازی به مال یتیم می‌شود بیم می‌دهد. (فخر رازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۸۵) ایشان در عبارت «فانکحوا» امر را برای اباحه می‌داند و نقل می‌کند که اهل ظاهر به این آیه تمسک کرده و گفته‌اند نکاح واجب است. چون امر در اینجا برای وجوب است. اما شافعی (شافعی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۱۲۲) می‌گوید عبارت «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» تا عبارت «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ» (نساء / ۲۵) حکم می‌کند که ترک نکاح در این صورت بهتر از انجام آن است و این دلالت دارد که ازدواج مندوب هم نیست چه رسد به این که واجب باشد. وی معتقد است که «طاب» بر خویشاوند درون و میل قلبی حمل می‌شود که در این حالت آیه عام است و می‌تواند تخصیص بخورد و در غیر حالت تخصیص، حجت است و عبارت «مثنی و ثلاث و رباعم هم به معنی إثنين إثنين ثلاثا ثلاثا أربعاً أربعاً است. (فخر رازی، ۱۳۷۱، ص ۴۸۶) فخر رازی نقل می‌کند اکثر فقها (بحرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۳، ص ۸۲؛ ماوردی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۳؛ شیرازی، ۱۹۵۹، ج ۲، ص ۲۹۹) و نیز شافعی (شافعی، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۱۱۰) معتقدند ازدواج با چهار زن برای آزاد مردان است اما مالک می‌گوید برای برده هم حلال است. (ابن عبدالبر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۶) وی از قوم سدی نقل می‌کند که معتقدند ازدواج با هر تعداد زن که بخواهی جایز است و به قرآن و روایت احتجاج کرده‌اند، از قرآن به عبارت «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ» به سه وجه حجیت آورده‌اند. اول: در همه عددها اطلاق دارد. دوم: ذکر اعداد به طور مذکور اختصاص ندارد بلکه اجازه‌ای برای امور یاد شده و یاد

۱. «وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ

نشده است، دیگر این که همه اعداد را نگفته چون ذکر همه دشوار است. (همان، ص ۴۸۷) پس عبارت «فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ» تنبیهی برای اذن در همه اعداد است. سوم: «واو» برای جمع مطلق است پس قول «مثنی و ثلاث و رباع». هم صلاحیت تعداد مذکور و هم عدد نه و نیز هیجده را دارد چون مثنی فقط به معنی اثنین نیست بلکه به معنی اثنین اثنین است و درباره بقیه اعداد هم به همین شکل است. اما روایت؛ اول: به تواتر ثابت شده است که پیامبر(ص) نه زن از خویشان باقی گذاشتند و خداوند ما را به پیروی از ایشان فرمان می‌دهد و کمترین مراتب امر، اباحه است. دوم: سنت مرد، طریقه و روش او است و ازدواج با بیشتر از چهار زن، سنت رسول خدا(ص) بود و ایشان فرمود: «فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» بنابراین ظاهر این حدیث اقتضای سرزنش بر ترک ازدواج با بیش از چهار زن را دارد، پس لااقل، اصل جواز ازدواج با بیش از چهار زن را ثابت می‌کند. فخر رازی نقل می‌کند که فقیهان برای ثابت کردن انحصار عدد زوجات در چهار تا، بر دو امر تکیه کرده‌اند، اول: روایت شده است که غیلان ده زن داشت که مسلمان شد، پیامبر(ص) به او فرمود چهار تا را نگه دار و از یکی جدا شو. دوم: اجماع فقهای هر عصر این بوده است که ازدواج با بیش از چهار زن، جایز نیست و این اجماع قابل اعتماد است. فخر رازی به هر دو مورد پاسخ می‌گوید، در مورد اول، خبر را از دو وجه ضعیف می‌داند: اول: قرآن بر نبود حصر دلالت دارد در حالی که این خبر، واحد است و نسخ قرآن با خبر واحد جایز نیست. دیگر این که شاید به دلیل قرابت سببی یا نسبی جمع بین آن زنان جایز نبوده است. برای همین پیامبر(ص) فرمود چهار تا را نگه دارند. پس قرآن با مانند این خبر نسخ نمی‌شود. دوم: اجماع نه نسه می‌کند و نه نسخ می‌شود. همچنین در بین امت، اقوام نادری هستند که به حرمت زیادت بر چهار تا اعتقادی ندارند و اگر یک یا دو نفر مخالفت کنند اجماع صورت نمی‌گیرد.

ایشان در پاسخ استدلال خود می‌گویند: جواب مورد اول این است که اجماع نشان می‌دهد ناسخ در زمان پیامبر(ص) بوده است و جواب مورد دوم این است که مخالفین این اجماع از اهل بدعت هستند که توجهی به مخالفت آنان نمی‌شود. (فخر رازی، ۱۳۷۱، ص ۴۸۸) فخر رازی کاربرد «ولو» را برای این می‌داند که «واو» انتخاب هر قسمی از اقسام و نیز جمع بین همه اقسام را در بردارد اما «او» تنها جواز اختیار یکی از اقسام را می‌دهد. ایشان معتقد است که جمع بین یک زن یا چندین کنیز یکسان است چون کنیز کمترین مسئولیت و سبک‌ترین هزینه را دارد و برعهده مرد نیست که کم و زیاد کند یا در قسم و نزدیکی عدالت داشته باشد. وی نقل می‌کند که شافعی با این آیه احتجاج کرده که اشتغال به نوافل و عبادات از نکاح برتر است چون خداوند در این آیه، بین ازدواج با کنیز یا یک زن اختیار داده است و

تخییر بین دو چیز مساوات را می‌رساند پس وقتی که این دو برابر باشد ما اجماع می‌کنیم که پرداختن به نوافل از تسری (کنیز گرفتن) برتر است بنابراین از نکاح نیز برتر است. (همان، ص ۴۸۹) او از شافعی نقل می‌کند که «ذلک أدنی أَلَّا تَعُولُوا» یعنی «ذلک أدنی أن لا تکثر عیالکم» این به خاطر آن است که عیالتان زیاد نشد و در تأیید قول او بیان می‌کند شافعی کثرت عیال را کنایه از جور و میل قرار داده است چون از آن جدایی ندارد پس این تفسیر بر سبیل کنایه و استلزام است که روش مشهوری در قرآن است. فخر رازی قول شافعی را برتر می‌داند چون معتقد است که اگر بر جور حمل شود تکراری است ولی اگر بر نقل شافعی حمل شود تکراری نیست. دیگر این که قول شافعی به وجه اول هم بر سبیل کنایه و تعریض برمی‌گردد همچنین از طاووس هم نقل شد که «ذلک أدنی أَلَّا تَعُولُوا» قرائت کرده است. (همان، ص ۴۹۰) مفسر المنار در ذیل آیه مذکور معتقد است تعدد زوجات به خاطر مصلحت افراد امت تشریح شده است مانند مواردی که زن نازاست و یا مردی گرم مزاج و همسرش سردمزاج است یا در کشورهای جنگ زده که تعداد زنان بیشتر از مردان است و بعضی از زنان عملاً نمی‌توانند فرصت ازدواج داشته باشند. اما اصل مطلوب، نبود تعدد زوجات است چون تعدد زوجات در اسلام، نه واجب و نه مندوب است بلکه رخصت است که به شرط (رعایت عدالت) مقید شده است. در حالی که فرنگ گمان کرده است این حکم از مهمات دین اسلام است اما کسانی که فقط برای بهره‌گیری، چند همسر می‌گیرند ستم بزرگی می‌کنند یا کسانی که به خاطر خوار کردن همسر خود ازدواج مجدد می‌کنند بی‌شک از دیدن اسلام عمل حرامی انجام می‌دهند که سبب فساد خانواده و امت است. (رشیدرضا، ۱۴۲۱، ص ۳۵۸) رشیدرضا از زیان‌های کارگری زنان در کارخانه‌ها و اختلاط با مردان و در نتیجه گرایش زنان بی‌شوهر به سوی زنا سخن می‌گوید و این را نهایت پستی جامعه مدنی می‌بیند معضلی که در مدنیت غرب روی داده و فرزندان زنا را بدون سرپرست به دامن زنان و جامعه آویخته است.

ایشان نقل می‌کند بعضی نویسندگان زن انگلیسی این نیاز را درک کرده و به خاطر قشر زنان فقیر کارگر و یا تن‌فروش، خواستار تعدد زوجات بوده‌اند. (همان، ص ۳۵۹) ایشان بیان می‌کند دانشمندان اروپایی تصریح کرده‌اند تعدد زوجات از اسباب انتشار اسلام و کثرت مسلمانان در آفریقا و ... بوده است و البته زیان تعدد زوجات هرگز به ضرر کمبود نسلی که کشورهای امثال فرانسه در پی شیوع زنا به آن دچار شدند، نمی‌رسد. اما اگر اکنون مفاسدی داشته باشد ولی امر مسلمین می‌تواند این مباح را به خاطر مفسده‌هایی که دارد منع کند. (همان، ص ۳۶۲) مفسر المنار درباره حکمت تعدد زوجات در اسلام تشریح می‌کند که شریعت محمدی (ص) اختیار چهارزن را فقط در صورتی مباح کرده است که مرد اطمینان داشته

باشد و بداند که می‌تواند بین زنان خود عدالت را مراعات کند در غیر اینصورت جایز نیست جز یک زن داشته باشد. پیامبر(ص) و صحابه ایشان و خلفای راشدین و صالحان تاکنون همیشه عدالت را در بین همسران خود برقرار می‌کرده‌اند. آیه مذکور نیز وعیدی شرعی را دربردارد که جایز نمی‌داند مرد به هنگام گمان بردن مراعات نکردن عدالت، چند همسری اختیار کند چه رسد به حالت تحقق بی‌عدالتی! حال چگونه جایز است که ما فقط برای برآوردن نیاز شهوانی بدون توجه به مفاسد و مخالفت آن با شرع بین زنان جمع کنیم؟ (همان، ص ۳۶۴).

ایشان زیان‌های تعدد زوجات را شرح می‌دهد و نتیجه می‌گیرد تعدد زوجات، خلاف اصل و کمال است و با آرامش نفسی و دوستی و رحمتی که از ارکان زندگی زناشویی است منافات دارد. پس برای مسلمانان شایسته نیست چند همسر بگیرند مگر هنگام ضرورت و با اطمینان از رعایت عدالتی که خداوند شرط کرده است. (همان، ص ۳۶۶) باور رشیدرضا این است که از جمله حکمت‌های تعدد زوجات پیامبر(ص) کفات بعضی از زنان مؤمن به سبب سیاسی یا علمی - دینی بود و پیامبر(ص) برای اختیار کردن هر یک از همسران خویش مصلحت را در تشریح و تأدیب رعایت فرمود و بزرگان و قبائل به خاطر خویشاوندی به ایشان جذب شدند و به پیروان خود احترام و گرامیداشت زنان کریم و رعایت عدل بین آنها را آموخت و احکام را به آن شیوه تفریر کرد و بعد از خویشتن نه مادر برای مؤمنین باقی گذاشت تا به زنان آنان احکامی که شایسته‌شان بود و سزاوار بود زنان آن را بیاموزند. به ایشان آموزش دهند و اگر رسول خدا یک همسر، در میان امت باقی می‌گذاشت به اندازه نه زن بی‌نیاز نمی‌کرد. اگر از تعدد زوجات آنچه را ملوک و امیران فقط از بهره‌گیری حلال می‌خواهند در نظر می‌داشت، دختران نیکو صورت باکره را بر آن زنان کاهل و بیوه ترجیح می‌داد همان‌گونه که به شخصی که همسر بیوه برگزیده بود فرمود: «دختر باکره اختیار کن که با او شوخی کنی و او با تو شوخی کند» یا «تو را بخنداند و تو را بخندانی». (رشیدرضا، ۱۴۲۱، ص ۳۷۳).

رشیدرضا معتقد است ذکر «أربع» تحریم پنج و بیشتر را اقتضاء ندارد و این که پیامبر(ص) به مردی از مشرکان که اسلام آورده بود و بیش از چهار زن داشت، حکم فرمود فقط چهارتای آن را نگه دارد، فرمان ایشان(ص) بیانی برای اجمال و احتمال زیادتی است که در آیه می‌باشد و جمهور اهل اصول هم بیان خبر واحد را برای مجمل کتاب جایز می‌دانند و آن چیزی که در مسأله سنت عملی پیروی شده، برای ما بیان شده قوی‌ترین چیز است که به آن احتجاج می‌کنیم و افرادی که بیش از چهار تا قائلند مانند بعضی شیعه‌ها می‌گویند شاید پیامبر(ص) به جدایی بیش از چهار تا به این سبب حکم فرمود که بین ایشان و



همسرانشان سببی از اسباب تحریم ذاتی مثل نسب نزدیک و رضاع بوده است ولی این تأویلی است که بطلان آن روشن است زیرا اگر امر همان‌گونه بود که گفته شده است، رسول خدا(ص) نمی‌فرمود چهار تا را اختیار إباء می‌کند و آنچه در مورد اجماع گفته شده که با مخالفت شیعه به اتمام نمی‌رسد، پاسخ می‌دهیم قبل از سخن آنها، این اجماع واقع شده پس این حجتی علیه آنهاست. (همان، ص ۳۷۴) رشیدرضا می‌گوید آیه، آزادمردان را مخاطب قرار می‌دهد چون بردگی خلاف هدف شرع و خلاف اصل است و این قول را عبارت «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» تأیید می‌کند چون مملوک، مالک دیگری نمی‌شود. فقیهان می‌گویند فقط با دو تا می‌تواند ازدواج کند. ایشان نقل می‌کند اهل ظاهر می‌گویند امر در «فانحکوا» برای وجوب است پس ازدواج یک بار در عمر واجب است و جمهور می‌گویند برای اباحه است. ایشان درباره اختیار «ما» به جای «من» معتقد است که منظور، وصف است انگار می‌گوید با هر صنف از زنان باکره و غیر باکره و ... که می‌خواهید ازدواج کنید و اختصاص کلمه «ما» برای غیرعاقلان، وقتی است که ذات چیزی مدنظر باشد و این که گفته شده اشاره به ناقص عقلی زن است که به منزله غیرعاقل به شمار آمده است، مفهوم آیه که تکریم و حفظ حقوق زنان و تحریم ستم به ایشان را تقریر می‌کند از این سخن ابا دارد. (همان، ص ۳۷۵) در رابطه با معنای اعداد (مثنی و ثلاث و رباع) در آیه ۳ سوره نساء، برخی معتقدند که این اعداد به صیغه اصل ذکر نشده و به صیغه معدوله آمده است (منظور از معدوله یا به اعتبار عدول از تکرار است که عبارت از اثنین و ثلاثا ثلاثا و اربعا اربعا باشد و یا غرض منصرف بودن آن است از جهت دو سبب آن، که عبارت از عدل و وصف باشد) حلبی، ۱۳۸۵ش، ص ۴۶۷-۴۶۹.

بنابراین، معنای آیه این خواهد بود که در صورت ازدواج با زنان متعدد، تعداد آنان باید دو تا دو تا یا سه تا سه تا و یا چهار تا چهار تا باشد. صاحب کشف در این باره می‌گوید: چنانچه به عده ای بگویند این مال را بین خود تقسیم نمایید، اگر مفرد و بدون تکرار بگویند دو دهم و سه دهم و چهاردهم تقسیم کنید، از این جمله جمع بین آنها فهمیده می‌شود. زیرا (واو) برای جمع است و تقسیم جداگانه از آن فهمیده نمی‌شود (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۶۷-۴۶۹).

#### ۴-۲- دلالت روایات بر مشروعیت تعدد زوجات از منظر اهل تسنن

هشام بن سالم از امام صادق (ع) درباره مراد از (لن تسطیعوا) در آیه ۱۲۹ سوره نساء روایت کرده است که امام فرمود: منظور برابری و مساوات در دوستی و مودت بین زنان است (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۵).

علی بن ابراهیم روایت نموده است که امام صادق (ع) در مورد تفاوت (فان خفتم ألا تعدلو فواحده) با (ولن تسيطعوا أن تعدلو بين النساء) فرمود: منظور از آیه اول مساوات و برابری در نفقه و خرج دادن است و مقصود از آیه دو برابری در دوستی و مودت و محبت است (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۳۰، ۳۲۹). علاوه بر آن روایات زیادی هم درباره سیره نبوی مبنی بر مساوات آن حضرت بین همسرانشان وجود دارد که در اینجا به دلیل اطاله بحث از آن خودداری می‌کنیم.

#### ۳-۴- مستنبط فقهای اهل سنت از آیات و روایات مذکور

در اینجا به بررسی اقوال فقهای اهل سنت می‌پردازیم البته بیان این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که تفاوت چندانی در مورد جایگاه تعدد زوجات بین شیعه و اهل سنت وجود ندارد و در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز اقوام مختلفی به چشم نمی‌خورد از این رو ما به ذکر آنچه در کتب اهل سنت در مورد جایگاه تعدد زوجات بیان شده بسنده می‌کنیم: تعدد زوجات مجاز است و نکاح با بیش از چهار زن حر صحیح نمی‌باشد (شافعی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۷؛ کاشانی، بی تا، ص ۲۴۵) و این عدم صحت را از قرآن و سخنان پیامبر اسلام (ص) می‌توان فهمید، مانند آنجا که حضرت به غیلان می‌فرماید: «امسک اربعا و فارق سائرهن» چرا که وقتی غیلان اسلام آورد، ده همسر داشت و پیامبر (ص) به او فرمود: چهار تا از همسرانت را نگه دار و باقی را طلاق بده. برخی از فقها نیز بر این باورند که این محدودیت بخاطر آن است که مرد بتواند حقوق همسران خود را به نحو احسن ادا کند و از آنجا که پیامبر (ص) می‌توانست عدالت را در بیش از چهار همسر رعایت کند محدودیت چهار همسر از او برداشته شد (همان، ۲۶۵). «جمیع اهل علم بر حرمت مازاد اربع تاکید کرده‌اند و خلافی در این امر دیده نشده مگر آنچه از قاسم ابن ابراهیم حکایت کرده‌اند که وی نکاح با نه زن را جایز می‌دانست چرا که خدا در آیه ۳ سوره نکاح می‌فرماید «ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع» وی حرف «واو» را برای جمع در نظر گرفته و در این مورد به نه زن پیامبر (ص) نیز اشاره کرده. در مورد نظر او گفته‌اند: «واو» در اینجا برای تغییر آمده نه جمع و نکاح پیامبر با نه زن از ویژگی‌های خاص پیامبر (ص) است. و این حکم در مورد سایر مسلمانان صحیح نیست (ابن قدامه، ۱۴۲۳، ص ۱۴۹؛ نووی، بی تا، ص ۱۳۷).

#### نتیجه‌گیری

مسئله زوجیت براساس مقتضای عالم خلقت به معنای اختصاص یک زن برای یک مرد است و این به مفهوم تننیه، تثلیث و ... نیست که چنین ازدواج‌های گروهی را اسلام منسوخ و غیر مشروع دانست.

با توجه به آیه ۱۸۹ سوره مبارکه اعراف، فقهای فریقین با توجه به آیات و روایات مذکور، تعدد زوجات را امری جایز می‌شمارند البته تعدد زوجات به عنوان یک حکم ثانوی مطرح و قابل فهم است که در صورت شرایطی مانند رعایت عدالت و رضایت زوجه، امری مجاز است. بنابراین، به نظر می‌رسد که حکم تعدد زوجات حکمی اضطراری باشد که فقط در مواقع ضرورت می‌تواند به کار رود. همچنین، این نکته که تعدد زوجات نوعی تکلیف است و لذا نمی‌تواند ماهیت حقی داشته باشد، خود بحثی است در خور تأمل است، لذا اسلام هیچ‌گاه خواستار تزلزل خانواده نبوده است و در خانواده‌های دائمی، که مشکلات حاد در آنها یافت نمی‌شود، این تعدد به نوعی تعرض به حقوق زن نیز است.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۰۷ق، الکافی فی فقه اهل المدینة المالکی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن عربی، ابوبکر، ۱۴۱۸، احکام القرآن، دار الفکر، بی‌جا

ابن قدامة، عبدالله بن احمد، ۱۴۰۵ق، المغنی، ج لول، بیروت، انتشارات دار الکتب العربی

ابن قدامة، عبدالله، ۱۴۲۳، المغنی، دار الکتب العربی، بیروت، بی‌جا

انصاری، مسعود، و طاهری؛ محمد علی، ۱۳۸۴، دانشنامه حقوق خصوصی، نشر محراب، تهران

بحرانی، یوسف، ۱۴۰۸ق، الحدائق الناضرة، مؤسسة النشر الاسلامی، قم

حلبی، عبیدالله بن علی، ۱۳۸۵، صحیحہ عبیدالله بن علی حلبی، تحقیق و بازبایی اولین مصنف شیعی

آرزوی دیدار.

رازی، ابوالفتح، ۱۳۷۶ش، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، تهران، بنیاد پژوهشهای اسلامی

رشیدرضا، محمد، ۱۴۲۱، المنار، موسسه الرساله، بیروت

زمخشری، محمد بن عمر، ۱۳۸۹، الکشاف عن حقائق التنزیل، مترجم: مسعود انصاری، بیروت، دار احیاء

التراث العربی

سیستانی، علی، ۱۴۱۴ق، منهاج الصالحین، قم، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی

شاتلند ژان کلود، ۱۳۷۸ش، جمعیت جهان، چالشها و مسائل، مترجم محمد سلاید میرزایی، تهران،

دانشگاه شهید بهشتی

شافعی، محمد بن ادریس، ۱۴۱۲ق، احکام القرآن، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیه

شافعی، محمد بن ادریس، ۱۴۲۳، الأم، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت

- شیرازی، ابراهیم بن علی، ۱۹۵۹م، المهدّب فی فقه الامام الشافعی، بیروت، دارالمعرفه.
- طبرسی، امین الاسلام، ۱۳۴۹، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه رسول محلاتی، قم انتشارات فراهانی
- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۷۸ش، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت، دار الکتب العربی
- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۹، المبسوط فی فقه الامامیه، المكتبة المرتضویة لاحیاء آثار الجعفریة، تهران
- عمید، حسن، ۱۳۸۳، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر، چاپ بیست و نهم
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، التفسیر، مصحح رسولی هاشم، تهران، ناشر مکتبه العلمیه الاسلامیه
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۳۷۱، مفاتیح الغیب، نشر اساطیر، تهران.
- کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بی تا، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، تهران
- کاظمی، محمد جواد، ۱۳۶۶ش، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، ج دوم، انتشارات رضوی
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم
- ماوردی، علی بن محمد، ۱۳۷۸ش، الاقناع فی الفقه الشافعی، تحقیق خضر محمد خضر، تهران، داراحسان
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۱۹ق، کنز العمال فی سنین الأقوال والأفعال، ناشر دارال کتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج دوم بیروت، دارالتراث العربی
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۹ق، شرایع الاسلام، انتشارات استقلال، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، نظام حقوق زن در اسلام، نشر صدرا، تهران
- معین، محمد، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی، تهران: بهزاد، چاپ دوم
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی
- نووی، شرف الدین، بی تا، منهاج الطالبین بیروت، مکتب التجاری